

خانم دکتر زهرایی! بحث را با یکی از برخوردارهای کشاورزان با طرح سازگاری با کم آبی شروع می‌کنیم، وقتی کشاورزها در مناطق مختلف به شرکت‌های آب منطقه‌ای مراجعه می‌کنند به آنها گفته می‌شود بر اساس طرح سازگاری با کم آبی، پروانه بهره‌برداری شما ۲۵ درصد کاهش پیدا کرده است. این سوال مطرح است که طرح سازگاری با کم آبی بر اساس چه مستندات و پشتوانه قانونی پروانه‌های بهره‌برداری را کاهش می‌دهد؟

طرح احیا و تعادل بخشی آبخوان‌ها از اوایل دهه نود در جریان است. در واقع، هدف این طرح توقف افت آبخوان‌ها و احیا آنهاست؛ به این معنی که آن افت انباشته شده‌ای که از دهه‌ها پیش اتفاق افتاده را سعی کنیم جبران نماییم. فرض کنید در استان کرمان از پنج دهه پیش این افت‌ها شروع شده‌است، باید بتوانیم این آبخوان‌ها را به آن وضعیتی که چهار، پنج دهه پیش داشتند برگردانیم.

این طرح سال‌ها در دست انجام بوده، در یک مناطقی توفیقات خوبی هم داشته، در بعضی مناطق هم زیاد موفق نبوده و یکی از اقداماتی که بر اساس آن انجام می‌شود اصلاح و تعدیل پروانه‌های بهره‌برداری آب است.

اصلاح به این معنی که در یک دوره‌ای در گذشته پروانه‌های آبی که صادر شده خیلی بیشتر از مقدار نیاز مصرف کننده بوده است؛ مثلاً فرض کنید برای تأسیس یک واحد دامداری یا برای یک واحد زراعی درخواست پروانه می‌کردند و حجمی که در پروانه اجازه برداشت به بهره‌بردار داده شده خیلی بیشتر از مقدار نیاز واقعی‌اش بوده است که هیچ‌وقت هم شاید استفاده نمی‌کرده‌است.

اینکه این ارقام را با نیاز آن مصرف کننده متناسب کنند، اصلاح پروانه می‌گویند. اینکه ما نیاز داریم مصارف آب را کاهش دهیم برای اینکه افت آبخوان متوقف شود و به تدریج آن ذخیره از دست رفته را بتوانیم باز یافت

تشکیل کارگروه سازگاری با کم آبی با هدف ایجاد ساختاری جدید جهت هماهنگی و



انجام در برنامه‌های سازگاری با کم آبی و تعادل منابع و مصارف آب در اسفند سال ۱۳۹۶ توسط هیأت وزیران مصوب گردید. دکتر بنفشه زهرایی، مدیرکل مدیریت مصرف و ارتقای بهره‌وری آب و آبفای وزارت نیرو و دبیر کارگروه ملی سازگاری با کم آبی است، در این شماره ماهنامه دنیای پسته با وی درباره برنامه‌های این کارگروه و اما و اگرهای اجرای مصوبات آن به گفت‌وگو نشستیم.

بنفشه زهرایی مدیرکل
دبیر کارگروه ملی
سازگاری با کم آبی

اما و اگرهای طرح سازگاری با کم آبی

مصاحبه‌کننده
مریم حسنی سعدی



هیچ کدام از آنها ذینفعان آب و بخش خصوصی و کشاورزان ما حضور ندارند، چرا؟

شأن تشکیل کارگروه ملی سازگاری با کم آبی بحث هماهنگی برنامه‌های بخش‌های مختلف دولت برای پایدار کردن منابع آب و مدیریت مصرف آب بوده‌است. بنابراین، دستگاه‌هایی که عضو کارگروه ملی هستند، همان‌طور که شما گفتید همه دولتی هستند. ولی قطعاً دستگاه‌های دولتی ذیربط می‌توانستند هماهنگی با بهره‌بردارها را خودشان بر عهده بگیرند؛ به این معنی که مثلاً در استان خراسان رضوی از ظرفیت دانشگاه فردوسی مشهد استفاده شده و آنها سعی کردند نمایندگان بهره‌برداران از آب و کشاورزان را به طور خاص درگیر کنند تا برنامه‌ها و توافقتشان را برای اجرا تضمین کنند و الان هم با مشارکت تشکل‌های کشاورزی دارند آن‌ها را اجرا می‌کنند.

اینکه لزوماً یک نماینده از کشاورزان بیاید و بنشیند در جلسه خیلی به کار کمکی نمی‌کند که برنامه مطابق نظر کشاورزان تصویب شود. آنچه کمک می‌کند این است که در زمان تضمین برنامه جلب مشارکت این بهره‌بردارها

اجزای برنامه به توافق برسند. مثلاً در مورد اصلاح و تعدیل پروانه، چه تعداد پروانه را می‌شود اصلاح و تعدیل کرد یا چه مقدار چاه غیرمجاز را تا سال ۱۴۰۵ می‌شود مسدود کرد. بنابراین، در برنامه‌های سازگاری با کم آبی دستگاه‌های استان‌ها روی این تعداد با هم توافق کردند و در برنامه‌ها مصوب کردند. در برخی از جاه‌ها یک مقداری تفاوت‌هایی بین هدف‌گذاری طرح احیا و تعادل بخشی و برنامه‌های سازگاری وجود دارد که ناشی از توافق استانی است. ولی در کل، این برنامه‌ها تقریباً با هم سازگار است و تحت هر دو عنوان طرح سازگاری و طرح احیاء و تعادل بخشی دارد دنبال می‌شود.

پس آنچه طرح کارگروه سازگاری با کم آبی با سایر برنامه‌هایی که برای بحث تعادل بخشی مطرح شده بود متمایز کرده استفاده از کارگروه‌های استانی و هماهنگی دستگاه‌ها برای رسیدن به اهداف پیش‌بینی شده است.

بله!

در کارگروه سازگاری چه در سطح ملی و چه استانی می‌بینیم در

کنیم تعدیل پروانه می‌گویند. بنابراین، این اقدام صرفاً مربوط به برنامه سازگاری با کم آبی نیست و در قالب برنامه‌های طرح احیا و تعادل بخشی از چندین سال پیش در جریان بوده‌است.

شروع طرح سازگاری با کم آبی از چه سالی بود و با چه هدفی ایجاد شد؟

برنامه‌های سازگاری با کم آبی از سال ۱۳۹۷ شروع شد و تا پایان سال ۱۳۹۹ و فروردین ۱۴۰۰ برنامه همه استان‌ها به تصویب رسید. هدف اصلی‌اش در واقع کم کردن مصارف آب در حد آب قابل برنامه‌ریزی ابلاغیه وزارت نیرو است. به این معنی که برای اینکه منابع آبی سطحی و زیرزمینی در هر منطقه‌ای پایدار باشند لازم است مقدار مصارف از یک سقفی تجاوز نکنند، در وزارت نیرو به این سقف آب قابل برنامه‌ریزی گفته می‌شود. آب قابل برنامه‌ریزی هم برای آب سطحی و هم برای آب زیرزمینی تعریف می‌شود. اهداف و برنامه‌های سازگاری با کم آبی محدود کردن مصارف در حد آب قابل برنامه‌ریزی ابلاغیه وزارت نیرو است و دنبال کردن اهداف طرح احیا و تعادل بخشی است.

بنابراین، بخشی از اقداماتی که در برنامه‌های سازگاری با کم آبی درج شده همان پروژه‌های طرح احیا و تعادل بخشی است که اصلاح و تعدیل پروانه هم جزو آن است.

تفاوت طرح احیا و تعادل بخشی با طرح سازگاری با کم آبی در چیست؟

یک تفاوتی که بین برنامه‌های سازگاری با کم آبی و طرح احیا و تعادل بخشی وجود دارد این است که طرح احیا و تعادل بخشی به صورت متمرکز توسط وزارت نیرو دنبال می‌شده و همراهی دستگاه‌های دیگر لزوماً با آن تأمین نشده بود؛ مثلاً وزارت جهاد کشاورزی که خیلی نقش مهمی می‌تواند در کاهش مصارف آب ایفا کند حضور نداشت، اما در برنامه‌های سازگاری با کم آبی از خود دستگاه‌های استان‌ها درخواست شد که در مورد

انجام می‌شد و کشاورزها در جریان نحوه اجرای مصوبه و تضمین برنامه که در استان‌ها دنبال می‌شود، باشند. قابل ذکر است که ما از سال ۱۳۹۷ که تدوین برنامه‌ها شروع شد به همه استان‌ها نامه زدیم و درخواست کردیم در تضمین برنامه‌ها دانشگاه‌ها، اتاق بازرگانی و بخش خصوصی را درگیر کنند، ولی اینکه چقدر استان‌ها به این توصیه ما عمل کردند یا نکردند، یک مقداری در استان‌های مختلف متفاوت بوده است.

هیئت وزیران حدوده ده موضوع نظیر محدودیت کشت، کاهش آب در مصرف فضای سبز، تحویل حجمی و ... را برای پیگیری کارگروه‌های استانی برشمرده است. در مورد این برنامه‌ها توضیح می‌دهید که هدف گذاری‌هایشان چگونه بوده و اینکه چقدر توانستند موفق باشند و آیا موضوعی بوده که به این ده مورد اضافه شده باشد؟

محدودیت کشت‌ها با نیاز آبی بالا ما تقریباً سعی کردیم به تمام بندهای آن مصوبه که از اسفند ۱۳۹۶ که کارگروه ملی تشکیل شد، پردازیم. به‌طور مثال، اینجا ذکر شده محدودیت کشت برنج که از سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی در سال‌های گذشته بوده است. بر همین اساس در سال ۱۳۹۸ جلسه کارگروه ملی و کمیته تخصصی ذیلش، مختص این موضوع تشکیل شد و یک مصوبه‌ای در مورد محدودیت کشت برنج در استان‌های خارج از گیلان و مازندران مصوب شد و چندین ماه هم اجرایش پیگیری شد. اما در سال اول اجرای آن مصادف شد با سال ۱۳۹۸ که بارش‌های خیلی زیادی اتفاق افتاد و اراضی در استان‌های گلستان و خوزستان که دو قطب اصلی تولید برنج خارج از گیلان و مازندران هستند زه‌دار شدند و همین باعث شد که در واقع شرایط اجتماعی برای پیگیری این مصوبه مناسب نباشد. باید بگویم کارگروه ملی و دولت در اجرای آن مصوبه مربوط به

محدودیت کشت برنج موفق نبود. البته مباحثش هنوز باقی است، ولی به آن شکلی که طراحی شده بود در سال ۱۳۹۸ پیگیری نشد.

اصلاح تعرفه‌ها به منظور پیاده‌سازی الگوی مصرف آب شرب

بند بعدی مربوط به اصلاح تعرفه‌های آب شرب برای اعمال الگوی مصرف است. با استناد به این بند در همان سال ۱۳۹۷ که سال اول تشکیل کارگروه ملی بود، تعرفه آب متناسب با این مصوبه اصلاح شد و یک حالت پلکانی پیدا کرد که مشترکینی که بالاتر از الگوی مصرف که ۱۵۰ لیتر برای هر نفر در روز مصرف می‌کنند، تعرفه‌های بیشتری لحاظ شود. مقداری سعی شد الگوی تعرفه طوری اصلاح شود که مصرف کننده‌ها به سمت مصرف زیر ۱۵۰ لیتر برای هر نفر در روز سوق داده شوند و از سال ۱۳۹۷ همین ساختار تعرفه در شرکت‌های آب و فاضلاب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کنترل اضافه برداشت از منابع آب زیر زمینی با افزایش تعرفه مصارف مازاد برای دوره محدود

یک بحث دیگر این بود کسانی که بیشتر از پروانه، برق مصرف می‌کنند برق‌شان به‌صورت تعرفه بخش کشاورزی محاسبه نشود و مشمول تعرفه تجاری شوند. این موضوع هم در کارگروه ملی دنبال شد و یک دستورالعملی برای اصلاح تعرفه برق در سال ۱۳۹۸ تصویب شد. منتهی در اجرایش مشکلات زیادی پیش آمد از جمله اینکه نیاز به بانک‌های اطلاعاتی بخش‌های آب و برق با هم تطبیق داده شود. به این دلیل که یک مشترکی ممکن است که در بانک‌های اطلاعاتی آب با شناسه و مشخصاتی شناسایی می‌شود در سیستم برق با یک شناسه دیگری شناسایی می‌شود که تطبیق دادن اینها خیلی کار مشکلی است. کاری که کارگروه ملی انجام داد این بود که در بازه سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ کار زیادی برای تطبیق این بانک‌های اطلاعاتی انجام شد. یک مقدار پیشرفت‌هایی حاصل شد تا سامانه‌های اطلاعاتی و آن ابزارهای



کامپیوتری که بین دو تا بخش‌ها استفاده می‌شد با هم هماهنگ شود. این فرآیند هنوز تکمیل نشده و هنوز در دست پیگیری است. علت عدم اجرای آن هم این است که تا زمانی که تمام مشترکین در کل کشور تطبیق اطلاعاتشان انجام نشود، تعرفه قابل اعمال نیست. گزارش پیشرفت این کار و نحوه پیگیری آن در روزهای اخیر به سمع و نظر وزیر نیرو رسید و برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفت که در دست اقدام است.

کاهش آب مصرفی فضای سبز یکی از آن بندهایی که در آن مصوبه آمده مربوط به کاهش مصرف آب فضای سبز است. سال‌هاست این

”
اگر در ارزیابی عملکرد برای رفع موانع برسیم به پیشنهادات مشخصی از استان‌ها که یکی می‌تواند راهکارهایی برای جلب مشارکت بیشتر بهره‌بردارها باشد، حتماً اقدام می‌کنیم
“

هیئت وزیران تصویب شود به وظایف کارگروه اضافه می‌شود.

بحث تعدیل پروانه‌ها یعنی کاهش حق برداشت آب، در واقع تضييع حق است؛ چرا که کشاورزان با اتکا به صدور پروانه و حق برداشت مندرج در آن اقدام به سرمایه‌گذاری کرده‌است. الان بر اساس طرح سازگاری با کم آبی می‌خواهید دبی‌اش را کاهش دهید. این تضييع حق نیازمند قانون و جبران حقوق است، آیا این موضوع هم از سوی کارگروه پیگیری شده‌است؟

من خیلی جواب دقیقی برای این سوال شما ندارم. من خیلی ابا دارم از اینکه وارد مباحث حقوقی شوم، چون تخصص حقوق آب ندارم. مجموعه قوانین و مقررات آب در ایران خیلی مبهم هستند و خیلی درکشان حداقل برای من راحت نیست. بنابراین، جوابی که به شما عرض می‌کنم مطلقاً جواب حقوقی نیست این را باید از یک حقوقدان بپرسید که از نظر حقوقی به شما دقیق‌تر بگویند که به چه صورت است.

از منظر مدیریت و برنامه‌ریزی منابع آب، همان قدری که بهره‌بردارهای فعلی در بهره‌برداری از منابع آب حق دارند، نسل‌های آینده‌ای هم که روی این منابع آب باید نیازهای شرب و بهداشتشان و سایر نیازهای آبی‌شان را تأمین کنند، محق هستند. یعنی این طوری نیست که ما یک منبع آب زیرزمینی را که قرن‌ها طول کشیده تا زیر استان کرمان انباشته شده را در عرض چهل، پنجاه سال بخوریم و تمام کنیم و بعد به نسل‌های آینده‌ای که در استان کرمان زندگی می‌کنند بگوییم شما بروید در کشورهای دیگر یا استان‌های دیگر زندگی کنید. این استان به دلیل خشک شدن آبخوان‌هایش زیست‌پذیری خودش را از دست داده است. نمی‌دانم آیا این عادلانه است که چون کشاورز آمده و یک سرمایه‌گذاری کرده این مجموعه از کشاورزان این حق را دارند که تمام منابع آبی را که در استان کرمان به ودیعه گذاشته شده‌است را مصرف



برنامه‌های ترویجی، برنامه‌های آموزشی و آگاهی بخشی در همه استان‌ها در دست انجام است. در سال جاری در وظایف کارگروه سازگاری با کم آبی یک اصلاحیه صورت گرفت و بحث فرونشست زمین بود. فرونشست هم با توجه به ارتباط نزدیکی که به بندهای مرتبط با احیا و تعادل بخشی آبخوان‌ها دارد به وظایف کارگروه اضافه شد. از این‌رو، سازمان زمین‌شناسی هم به‌عنوان یک عضو اضافه شد. یکسری بندهای دیگری هم پیش‌بینی شده که در بحث نظارت بر اجرای برنامه‌های سازگاری با کم آبی و ارزیابی عملکردها است. عمدتاً این موارد در کمیسیون دولت هم مطرح شده، مصوب شده و در صورتی که در

موضوع پیگیری می‌شود که هم جداسازی انشعابات فضای سبز از آب شرب اتفاق بیافتد و هم مصرف آب فضای سبز کاهش یابد. این موضوع نیز به‌طور پیوسته در دست اقدام بوده و در برنامه‌های سازگاری با کم آبی مصوب استان‌ها در اکثر استان‌ها درج شده و برنامه‌هایی برای کاهش مصرف آب فضای سبز در دست انجام است.

ارتقای آگاهی عمومی از وضعیت منابع آب کشور

در مورد برنامه‌های مرتبط در همکاری با صدا و سیما و مواردی نظیر این، برای فرهنگ‌سازی که جزو بندهای مصوبه است آن هم در برنامه‌های سازگاری با کم آبی به‌خصوص در بخش‌های آب و فاضلاب و کشاورزی



همین موضوعات را مد نظر قرار دهد. یا موقعی که استان‌ها با هم روی مثلاً مسدود کردن تعدادی چاه تصمیم می‌گیرند و توافق می‌کنند، قاعدتاً انتظار می‌رود استانداری، دادگستری و همه نهادهایی که باید در انسداد چاه یا برخورد با برداشت‌های غیرمجاز کمک کنند همکاری‌شان را بیشتر کنند.

بنابراین، درست است که دلایل عدم توفیق متنوع‌تر از صرفاً ناهماهنگی بین دستگاه‌هاست، ولی بالاخره اگر دستگاه‌ها با هم بیابند در تدوین این برنامه‌ها و اجرایش مشارکت کنند، قاعدتاً باید در میان مدت منجر به این شود که خیلی از موارد هماهنگ‌تر و منسجم‌تر شود.

در مورد محدودیت کشت با نیاز آبی بالا که در مورد برنج صحبت شد، آیا کارگروه سازگاری برای کشت‌های دیگر در سایر استان‌ها نیز محدودیت گذاشته است؟

خیر، در مصوبات کارگروه ملی فقط برنج بوده‌است، ولی در برنامه‌های سازگاری با کم آبی استان‌ها، بعضاً جایگزینی برخی از کشت‌های پر آب طلب با کشت‌های کم آب طلب دیده شده‌است؛ مثلاً هر استان حسب

ضعف اجرا نشدن این بندها عدم هماهنگی بین دستگاه‌ها بوده؟ دلایل عدم موفقیت خیلی متنوع است؛ یک بخش از آن ناشی از ناهماهنگی دستگاه‌های دولتی و برنامه‌هایشان است که در واقع خودش نتیجه ناهماهنگی در اسناد بالادستی است. به‌عنوان مثال؛ وقتی ما همزمان هم پایداری منابع آب را می‌خواهیم که قانونی است که مجلس مصوب کرده که تا ۱۴۰۴ باید آفت آبخوان‌ها صفر شود، از طرف دیگر در برنامه‌های توسعه مصوب می‌کنیم که درصد خیلی بالایی از خودکفایی در تولید بعضی محصولات استراتژیک را داشته باشیم و از طرف دیگر تصویب می‌کنیم که در قانون هوای پاک سرانه باید فضای سبز شهری یک مقدار مشخصی باشد، اینها با هم در تناقض است. یعنی اینقدر آب برای این میزان تولید کشاورزی یا ایجاد فضای سبز در خیلی از مناطق کشور وجود ندارد. صنایع فولاد را می‌بریم جایی که اصلاً آب وجود ندارد. در مجموع، دلایل عدم توفیق خیلی زیاد است و یک بخش دیگر هم ناشی از توزیع غلط بودجه است.

توزیع بودجه چگونه به این موضوع دامن می‌زند؟

بودجه در کشور ایران صرف ارتقاء پایداری منابع آب و محیط زیست نمی‌شود، بلکه بودجه صرف طرح‌های توسعه می‌شود. همین هم باعث می‌شود برنامه‌هایی مثل طرح احیاء و تعادل بخشی همیشه از کمبود منابع مالی رنج ببرند. این هم یکی از دلایل عدم توفیق برنامه‌هایی بوده که در گذشته انجام شده‌است.

تشکیل کارگروه ملی سازگاری با کم آبی یک مقداری سعی کرد که با درگیر کردن دستگاه‌های مختلف در تدوین این برنامه‌ها و اجرای آن این ناهماهنگی‌ها را کم کند. یعنی انتظار این است وقتی سازمان برنامه و بودجه طی سه سال به این جلسات می‌آید و می‌نشیند و به جزئیات در جریان ناپایداری‌های منابع آب و برنامه‌های لازم برای احیاء منابع آب قرار می‌گیرد، آنوقت در توزیع بودجه

کنند و بعد کسانی که بعداً می‌آیند در این استان می‌خواهند زندگی کنند و فرزندان همین کشاورزان هستند دیگر هیچ حق و حقوقی ندارند؟

بهره‌برداران بر اساس مجوزی که خود وزارت نیرو صادر کرده‌است اقدام به کشاورزی کرده‌اند. آنها سرخود نرفتند آب را مصرف کنند، بلکه مجوز گرفتند و بر اساس مجوز این کار را انجام دادند.

تا جایی که من می‌فهمم اجازه صدور پروانه‌ها با وزارت نیرو است و یک جایی هم نوشته ظاهراً وزارت جهاد کشاورزی می‌تواند پروانه مصرف معقول بر حسب شرایط مختلفی که پیش می‌آید صادر کند. ولی باید به این توجه داشته باشید که بالاخره آب و هوای ایران عوض شده، تغییر اقلیم اتفاق افتاده، تغذیه منابع آبی سطحی و زیرزمینی کم شده‌است، یعنی این‌طوری نیست که واقعاً پروانه‌ای که صادر می‌شود بتواند برای مدت طولانی بدون تغییر باقی بماند. قطعاً با توجه به تغییرات شرایط آب و هوایی و همین‌طور با توجه به آفت آب زیرزمینی و ناپایداری‌هایی که در منابع آب سطحی و زیرزمینی پیش آمده باید بشود این پروانه‌ها را کم و زیاد کرد؛ در غیر این صورت شرایطی که اتفاق می‌افتد همین که الان وجود دارد و منابع آب دچار ناپایداری‌های شدید می‌شود.

در طرح سازگاری با کم آبی چند موضوع دیگر در راستای مدیریت مصرف آب مطرح شده؛ یکی انسداد چاه‌های غیرمجاز، تعیین تکلیف چاه‌هایی که قبل از سال ۸۵ بودند، اصلاح و تعدیل، کنترل برداشت آب مازاد، خرید چاه‌های کم بازده کشاورزی، تقویت گروه‌های گشت و بازرسی و اجرای پروژه‌های تغذیه مصنوعی. این برنامه‌ها از پنج دهه پیش در مقررات پیش‌بینی شده بودند و انجام نشدند! الان دوباره در طرح سازگاری با کم آبی تکرار شدند. آیا به نظر شما فقط نقطه

سازمان امضا کردند و همین‌طور همه مسئولین استانی که عضو کارگروه استانی سازگاری با کم‌آبی هستند و امضاء کردند، ضمانت اجرایی از این بالاتر وجود داشته باشد یا لازم باشد. الان برخی از استاندارها مثل استاندار کرمان به مدیران دستگاه‌ها اعلام کرده‌اند که هر دستگاهی که در انجام تکالیف برنامه‌های سازگاری با کم‌آبی کوتاهی کند با موضوع ترک فعل به قوه قضائیه و همین‌طور سازمان بازرسی کشور ارجاع می‌شود. الان برنامه‌های سازگاری با کم‌آبی تعدادی از استان‌ها را دریافت کرده‌ایم و در راستای اجرا داریم نظارت می‌کنیم که احياناً اگر کم‌کاری داشته باشند امکان دارد در آینده با آنها برخورد قضایی صورت گیرد. فکر نمی‌کنم ما دیگر ضمانت‌هایی از این جدی‌تر برای هیچ برنامه‌ای در کشور داشته باشیم.

عملیاتی شدن برخی از برنامه‌ها هنوز محقق نشده‌است؛ مثلاً همین تعدیل پروانه‌ها فقط روی کاغذ پروانه درج شده!

برنامه‌هایی که در مورد طرح احیاء و تعادل بخشی در برنامه‌های سازگاری درج شده اجرای هم‌زمان چند اقدام است؛ یکی اصلاح و تعدیل و یکی نصب کنتور هوشمند حجمی است. این دو اگر با هم اتفاق بیافتد حتماً منجر به صرفه جویی می‌شود. چون مطابق با پروانه تعدیل شده، کنتور هوشمند مصرف آب را کنترل می‌کند و اگر از آن فراتر رود کنتور را قطع می‌کند. منتهی در مورد تأمین اعتبار هزینه‌های کنتور موانعی در کشور است و از این رو این برنامه دارد کندتر از برنامه تعدیل که به قول شما روی کاغذ است، پیش می‌رود. ولی ما در حال پیگیری هستیم که این موانع هم تا حد امکان برطرف شود.

مجدداً چند روز پیش وزیر نیرو تأکید داشتند روی اینکه نصب کنتور باید پیش‌روتر از همه برنامه‌ها در برنامه‌های سازگاری با کم‌آبی دنبال شود و همین‌طور با وزارت صمت در حال پیگیری هستیم که رفع موانع تولید کنتور یا واردات کنتور اتفاق بیافتد.

رویه قبلی را پیش می‌گیرد؟
ما الان در مرحله ارزیابی عملکرد برنامه سازگاری استان‌ها هستیم؛ یعنی در مدت تقریباً دو ماه هشت جلسه با استان‌های مختلف در سطح معاونین وزراء و معاونین سازمان‌ها و کمیته تخصصی کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی برگزار کردیم و از آنها خواستیم که گزارش عملکردشان ارائه دهند. طبیعتاً از بعضی از برنامه‌ها ممکن است عملکردها و اقدامات قوی و در بعضی‌ها ضعیف باشد. اینکه در کدام برنامه‌ها ضعف عملکرد وجود دارد باعث می‌شود ما برویم دنبال اینکه پیدا کنیم موانع کجاست. حالا موانع می‌تواند عدم مشارکت بهره‌بردار باشد، می‌تواند نبود بودجه دولتی باشد، می‌تواند قوانینی مانع باشد یا موارد دیگر. این موانع را که شناسایی کنیم بعد باید در راستای رفع‌شان با استان‌ها همفکری کنیم و سعی کنیم در این زمینه‌ها اقدام کنیم.

ما الان دقیقاً به اینکه آیا یک بهره‌بردار در استان X در اجرای برنامه مشارکت می‌کند یا نه، ورود نمی‌کنیم. سازمان جهاد کشاورزی هر استانی که آن برنامه را مصوب کرده موظف به اجراش است. اگر بهره‌بردارها همکاری نکنند بعد باید بیاید به ما بگوید بهره‌بردارها همکاری نمی‌کنند و راه حل بدهد که مثلاً بیاید بسته تشویقی یا بسته تنبیهی من را مصوب کنید، یا فلان قانون و دستورالعمل را عوض کنید. ما هنوز به این مرحله نرسیدیم که چنین درخواست‌هایی را دریافت کنیم.

اگر در ارزیابی عملکرد برای رفع موانع برسیم به پیشنهادات مشخصی از استان‌ها که یکی هم می‌تواند راهکارهایی برای جلب مشارکت بیشتر بهره‌بردارها باشد، حتماً اقدام می‌کنیم.

چه ضمانت اجرایی برای اجرای این برنامه‌ها پیش‌بینی شده است؟

من گمان نمی‌کنم دیگر بالاتر از کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی که در واقع برنامه‌ها را دو نفر از معاونین رییس‌جمهور و تعدادی وزیر و رییس



”

از منظر مدیریت و برنامه‌ریزی منابع آب، همان قدری که بهره‌بردارهای فعلی در

بهره‌برداری از منابع آب حق دارند، نسل‌های آینده‌ای هم که روی این منابع آب باید نیازهای شرب و بهداشت‌شان و سایر نیازهای آبی‌شان را تأمین کنند، محق هستند

“

شرایط آب و هوایی که دارد و نوع الگوی کشت رایجی که دارد ممکن است پیشنهاداتی داده باشد. مثلاً برنامه داده که تعطیلی تعداد هکتاری از اراضی تحت کشت پر آب طلب با گیاهان دارویی یا گل محمدی یا زعفران جایگزین شود.

آیا هندوانه هم جزو پر آب طلب‌ها تلقی شده‌است؟
خیر، تا جایی که یادم است در برنامه‌های سازگاری با کم‌آبی خیلی به هندوانه پرداخته نشده است، ولی ممکن است من حضور ذهن دقیقی نداشته باشم. همچنین، ممکن است بعضی از استان‌ها اسامی کشت‌های پر آب طلب را خیلی دقیق ذکر نکرده باشند. معمولاً آن کشت جایگزین را بیشتر تأکید کردند. باید برنامه‌هایشان به دقت بررسی شود تا بتوانم سوال شما را دقیق جواب دهم. تا جایی حضور ذهن دارم، هندوانه نیست.

حلقه نهایی برای اجرای طرح‌ها بهره‌بردارها هستند، اما اکثراً برنامه‌ها آمرانه و دستوری و کنترلی هستند و تجربه تا به امروز نشان داده که این رویه جواب نداده‌است. آیا کارگروه سازگاری با کم‌آبی در این باره